

نیازسنجی سرفصلها و منابع درسی رشته‌های هنر

فاطمه‌راهیل قوامی*
Rahil.ghavami@gmail.com

چکیده

کمبود مواد آموزشی برای دانشجویان و مدرسان هنر، از جمله مشکلات اصلی رشته‌های هنر است. نوشتار حاضر مقاله‌ای تحقیقی است حاصل سه پژوهش متوالی که هدف آن مشاهده و بررسی وضعیت موجود سرفصلها و کتب درسی رشته‌های هنر (شانزده رشته) و نیز جستجوی راهکارها و چگونگی دستیابی به وضع مطلوب یا قابل قبول است. روش گردآوری داده‌های تحقیق، کتابخانه‌ای، رایانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای (میدانی) است و از شیوه‌های آماری، تطبیقی و تحلیلی برای نتیجه‌گیری از داده‌ها استفاده شده است. پژوهش طی 9 مرحله صورت گرفت. در پایان پروژه اول، سرفصلها و شرح درسهای رشته‌های هنری در پنجاه دانشگاه جهان استخراج گردید و در پروژه دوم، برای سرفصلهای موجود و مورد نیاز حدود 2 هزار عنوان برای ترجمه، تألیف و پژوهش و 493 نام به عنوان محقق، مؤلف و مترجم به دست آمد. در این پروژه با تحلیل داده‌های پروژه اول، حداقل 900 عنوان مورد نیاز برای کلیه سرفصلها (230 سرفصل) تشخیص داده شد. جهت رفع نیازهای مذکور، در مجموع، 1740 عنوان ترجمه، تألیف و پژوهش، و بیش از 370 نام به عنوان محقق، مؤلف و مترجم مشخص گردید. با آنکه نقایص جدی در نظام برنامه‌ریزی و منابع درسی در رشته‌های هنر بدیهی تلقی می‌شود، این پژوهش ضمن واکاوی عینی این معضل داده‌هایی به دست می‌دهد که برنامه‌ریزان آموزشی به کمک آنها می‌توانند قدم بزرگی در راه تکمیل و بازنگری دروس و منابع درسی بردارند.

* پژوهشگر و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد نقاشی دانشگاه هنر تهران

تاریخ پذیرش: 1388/5/30

تاریخ دریافت: 1388/5/17

عیار، شماره 23، پاییز 1389، ص 77-99

کلید واژه‌ها

رشته‌های هنر، نیاز سنجی، مواد آموزشی، کتب درسی، سرفصلهای درسی، تألیف، ترجمه و پژوهش.

مقدمه و بیان مسئله¹

«هنر» در جایگاه شاخه‌ای آموزشی یا حرفه‌ای و حتی به عنوان موضوع تحقیق، اصطلاح یا مفهومی چالش‌برانگیز و در مواردی جنجالی است و اساس این چالش و جنجال بر چیزی به نام «پیش‌فرضها» استوار است. گرچه این امر در مورد رشته‌های دیگر نیز صادق است، غالباً در حیطه «هنر» پیش‌فرضهای متعدد مانند هاله یا ابری پوشاننده ذهن مخاطب را فرا گرفته است که در بسیاری موارد منجر به دریافتی مبهم و تار می‌شود. در پی این بینش ابری! اهالی هنر، که خود نیز از این قاعده مستثنا نیستند (البته از زوایایی دیگر)، یا به گوشه‌ای رانده شده‌اند و در برنامه‌ریزیها، تصمیمات و دیگر جایگاههای اجتماعی نقش چنان واضحی ندارند یا ناچارند از وقت و توان بسیاری برای زدودن غبار ناآگاهی از ذهن خود و مخاطب خود استفاده کنند.

از آنجا که توصیف وضعیت اهالی هنر و یا غیر هنر هدف این مقاله نیست - گویانکه چنین مرزبندی شایسته هم نیست - باید گفت پیامدهای وضعیت مذکور موانعی را در امر آموزش هنر پدید آورده است و همچنان می‌آورد، که برآیند آن وارد شدن صدمات و آسیبهایی - گاهی جبران‌ناپذیر - بر پیکره هنر است. بیم آن می‌رود که در این میانه، هنرمندان نیز - خواسته یا ناخواسته - به سهم خود همان داده‌های دریافتی آسیب دیده را در قالب آثارشان به خورد مخاطبانشان بدهند و بدین ترتیب دور باطلی به جریان افتد که شاید هرگز به هیچ نقطه روشنی ختم نشود.

در این زمینه کمبود مواد آموزشی برای محصلان و مدرسان هنر، از جمله موانع

1. این مقاله حاصل پژوهش گروهی با نظارت جناب آقای براهیمی، مدیر گروه بخش هنر سازمان «سمت» و همکاری اعضای گروه (خانمها آبه‌نا اسفندیاری، مریم نریمانی، فریبا آلادینی، میترا هویت‌طلب، شعله ممتحن، بهاره ایزد پناه، الهه غلامی، شکوفه علیدوستی، مریم خلیل‌زاده و منا رهنمای حقیقی) انجام شده است که شایسته است از زحمات توصیف‌نشدنی تک‌تک آنان قدردانی و سپاس‌گزاری شود.

مذکور است؛ اما سازمان «سمت»، به واسطه رسالت خویش، برای جبران کمبودها گام مهمی در آفتابی کردن این فضای ابری برداشته است. مقاله اخیر مقاله‌ای تحقیقی^۱ از پژوهشی با طیفی گسترده است که در آن مشاهده و بررسی وضعیت موجود سرفصلها و کتب درسی رشته‌های هنر و نیز جستجوی راهکارها و چگونگی دستیابی به وضع مطلوب یا قابل قبول، هدف اصلی آن است. این کار طی سه پروژه تحقیقاتی صورت گرفته است؛ پروژه‌های دوم و سوم با نامهای فاز اول و دوم در ۹ مرحله بررسی می‌شوند. این سه پروژه عبارت است از:

1. جستجوی سرفصلهای درسی^۲ رشته‌های هنر در دانشگاههای جهان (1382)؛
2. نیازسنجی سرفصلها و کتب درسی - دانشگاهی رشته‌های هنر (1385-1386) و
3. نیازسنجی سرفصلها و کتب درسی - دانشگاهی رشته‌های هنر (1388-1389).

پروژه اول (جستجوی سرفصلهای درسی رشته‌های هنر در دانشگاههای جهان) در واقع یکی از پیش‌نیازهای اصلی تحقیقات بعدی بود، اما معرفی و تشریح مفصل آن در این مقاله ضروری به نظر نمی‌رسد. تحقیق مذکور شامل مطالعه رشته‌های هنر در دانشگاههای معتبر خارجی بود که در آن حدود پنجاه دانشگاه و مرکز آموزشی مرتبط با هنر بررسی شد. گفتنی است که در این تحقیق صرفاً به دانشگاههای امریکایی و اروپایی مطرح بسنده نشد، بلکه به تمام حوزه‌های پنج قاره، مانند ژاپن و مصر نیز مراجعه شد. فهرست رشته‌ها، سرفصلهای درسی هر رشته و نیز شرح دروس آنها از نتایج پروژه مذکور بود. در این مقاله، پروژه‌های دوم (فاز اول)^۳ و سوم (فاز دوم) به طور مفصل بررسی می‌شوند.

روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش گردآوری داده‌های تحقیق، کتابخانه‌ای، رایانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای (میدانی) است و

1. این نوع مقاله از آنجا که یافته‌های پژوهش را نیز ارائه می‌دهد، به آن گزارش تحقیق (research report) نیز گفته می‌شود (حری، 1385، ص 181).

2. syllabuses

3. به استناد متن گزارشهای پروژه نیازسنجی سرفصلهای درسی شانزده رشته هنر به همراه گرایشهای آن و ارائه نظام پیشنهادی جهت تأمین و ارتقای منابع درسی (1385-1386)، به استناد قرارداد مصوب شماره 150/3149 م ت، مورخ 1385/4/13 شورای پژوهشی مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت».

برای نتیجه‌گیری از داده‌ها، شیوه‌های آماری و تطبیقی و تحلیلی به کار رفته است. نوع تحقیق، از نظر ماهیت و روش، بنیادی و کاربردی است. منظور از بنیادی استفاده از روشهای آماری، پرسش‌نامه‌ای و مصاحبه‌ای است و منظور از کاربردی، تحلیل و استفاده از اطلاعات و یافته‌ها به منظور تبدیل کردن آنها به محصولی قابل استفاده برای نیازهای سازمان است. هرچند این پژوهش در مرحله یک بیشتر با داده‌های کمی سرو کار داشت، در کل پژوهش هم از روشهای کیفی و هم از روشهای کمی استفاده کرده است. از منظر کمی ماهیت ساخت یافته و ابزارهای پژوهش تا حد زیادی از آغاز برای پژوهشگران مشخص بود و این امکان وجود داشت که مراحل پژوهش در قالب طرحی پژوهشی جای گیرد. از منظر کیفی نیز، لازمه این پژوهش برخورداری از نگاهی باز و انعطاف‌پذیر بود که به روش کیفی اختصاص دارد. پژوهشگر کیفی پژوهش را فرایندی از یادگیری و خود را ابزار سنجش داده‌ها می‌داند و آنچه در پژوهش کیفی اهمیت دارد و بسیار درخور این تحقیق است، این است که پژوهشگران کیفی اجازه می‌دهند تا مفاهیم، ایده‌ها و نظریه‌ها رشد و نمو کنند و پژوهشگر در برابر تحمیل ایده‌های از پیش تصور شده و محصور ساختن ادراکات در حال ظهور ایستادگی می‌کند (ر.ک: بلیکی، 1384، ص 315). بدین ترتیب برای دستیابی به موفقیت و نتیجه حتمی و با توجه به شرایط خاص چنین تحقیقی در ایران، این نوع روش تلفیقی از ملزومات اصلی بود.

سؤالات تحقیق

الف) سؤالات تحقیق در فاز اول:

1. وضعیت سرفصلهای رشته‌های هنری دانشگاههای ایران (در این پژوهش تهران) چگونه است؟
2. عناوین سرفصلهای هر رشته در مقایسه با رشته‌های معادل در دانشگاههای معتبر جهان تا چه حد به روز است؟ چه کاستیهایی دارد؟ چه عناوینی اضافه بر آنها و چه مشترکاتی دارد؟
3. با نیازسنجی از مدرسان، شاغلان و دانشجویان این رشته‌ها تا چه حد امکان ارتقای سطح کیفی واحدهای درسی از طریق چاپ کتابهای مربوط و مورد نیاز وجود دارد؟ موضوع و عناوین پیشنهادها و کتابها کدام‌اند؟
4. آیا می‌توان با نیازسنجی دقیق و کارشناسانه از مدرسان، شاغلان و دانشجویان

رشته‌های هنر، افراد زبده و مناسب را در جهت گسترده کردن فعالیتهای بخش هنر سازمان «سمت» پیدا کرد؟

5. آیا دانشگاههای هنر برنامه‌هایی برای اصلاح واحدهای درسی دارند؟ چگونه است؟

(ب) سؤالات تحقیق در فاز دوم:

1. مواد پروژه قبل (فاز اول) چگونه به محصول قابل مصرفی برای نیازهای سازمان

«سمت» تبدیل خواهند شد؟

2. منابعی که استادان و دانشجویان معرفی کردند چگونه‌اند و تا چه میزان کاربردی

هستند؟

3. منابع معرفی شده برای ترجمه در هر رشته در چه سطح علمی قرار دارند و

اولویت‌بندی آنها برای آماده شدن چگونه است؟

4. عناوین پیشنهاد شده برای تألیف تا چه حد غنی، کاربردی و مورد نیازند و آیا

مؤلف کماکان آمادگی همکاری را دارد؟

5. عناوین پیشنهادشده برای پژوهش تا چه حد در راستای نیازهای جامعه هنری‌اند و

امکان تحقق آنها چگونه امکان‌پذیر است؟

6. افراد معرفی شده برای همکاری در چه سطحی قرار دارند و کدام بیشتر مناسب

فعالتهای معرفی شده هستند؟

جامعه آماری

رشته‌های مورد پژوهش در فاز اول و دوم شامل: 1) نقاشی، 2) تصویرسازی، 3) تصویر

متحرک (انیمیشن)، 4) ارتباط تصویری (گرافیک)، 5) موسیقی ایرانی، 6) موسیقی جهانی،

7) عکاسی، 8) طراحی و چاپ پارچه، 9) طراحی پارچه و لباس، 10) صنایع دستی،

11) فرش، 12) مجسمه‌سازی، 13) پژوهش هنر، 14) فلسفه هنر، 15) معماری¹ و

16) طراحی صنعتی² بوده است.

1. بعد از تحقیقات فراوان و صحبت با چند متخصص، پژوهش دکتر قیومی که قبلاً به سازمان

«سمت» ارائه شده بود، کامل و مناسب تشخیص داده شد.

2. متخصصان طراحی صنعتی در این راستا تحقیقاتی انجام داده بودند که با تشکیل جلسه‌ها و

مشورت با آنان در مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان «سمت»، فهرستی از استادان و ←

گفتنی است که این پژوهش صرفاً در شهر تهران انجام شده است،¹ به جز مورد رشته فرش که در فاز دوم در چهار گرایش از دانشگاه اصفهان نیز کمک گرفته شد. دانشجویان و استادان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و استادان مربوط نمونه‌های جامعه آماری بودند. نکته مهم در این مقاله این است که هر کدام از این رشته‌ها در بردارنده مباحثی جداگانه و مستقل‌اند و توصیف و تشریح هر یک نیاز به نگاشتن مقاله‌هایی جداگانه دارد. بدین ترتیب، در مسیر تحقیق نیز در عین گروهی بودن تحقیق، به دلیل متفاوت بودن بنیان بسیاری از رشته‌ها (برای مثال، بنیان متفاوت رشته موسیقی با عکاسی) مسائل و روشهای جداگانه‌ای برای هر یک از آنها اتخاذ شد.

جامعه آماری پژوهش شامل حدود 1500 نفر از استادان و دانشجویان بود (تعداد تفکیک شده هر رشته در گزارشهای ارائه شده موجود است) که در این مورد نیز انتخاب نوع جامعه آماری هر رشته به دلیل وضعیت خاص هر کدام از رشته‌ها به تناسب نیاز و تشخیص متخصص مربوط صورت گرفت.

برای مثال، انتخاب جامعه آماری فارغ‌التحصیلان رشته پژوهش هنر، به دلیل احاطه بیشتر به امور و در اولویت بعدی، بیشتر از میان دانشجویان ترم دوم بود. دانشجویان ترم چهارم یا فارغ‌التحصیل شده بودند یا در حال به ثمر رساندن پایان‌نامه خود بودند و یا تحصیلشان در دانشگاه خاتمه یافته بود. در مورد دانشجویان دکتری از آنجا که بیشتر به تدریس نیز اشتغال داشتند، در گروه استادان طبقه‌بندی شدند. یا در مورد رشته نقاشی مراکز آموزشی آزاد و سایر مراکزی هم که به نوعی با جامعه نقاشان در ارتباط بودند، بخشی از جامعه آماری را به خود اختصاص دادند. همچنین، در رشته طراحی پارچه و لباس و طراحی و چاپ پارچه، به استادان و فارغ‌التحصیلانی هم که در حال حاضر مشغول به

→ کتابهایی منتج از تحقیق یاد شده تهیه گردید. بدین ترتیب، روش تحقیق این رشته با دیگر رشته‌ها متفاوت بود.

1. برای تحقیق در شهرهای دیگر و یا انتخاب مقطع پایین‌تر از کارشناسی، گروه پژوهشی بسیار گسترده‌تر و هزینه بیشتری لازم بود که چنین امکانی در دسترس نبود؛ ضمن اینکه خود همین پژوهش نیز با هزینه یک دهم هزینه واقعی انجام شده است. همچنین رشته‌های سینما، تئاتر و زیر مجموعه آنها نیز به دلیل کمبود امکانات و شرایط خاص پژوهشگر ذی‌ربط ادامه نیافت.

تدریس یا تحصیل نبودند، اما وجودشان در این جامعه آماری ضروری به نظر می‌رسید
مراجعه شد.

مراحل تحقیق، یافته‌ها و تحلیل داده‌های حاصل از تحقیق

همان‌طور که آمد، مقاله اخیر مقاله‌ای تحقیقی از پژوهشی گسترده است که در آن مشاهده و بررسی وضعیت موجود سرفصلها و کتب درسی رشته‌های هنر و نیز جستجوی راهکارها و چگونگی دستیابی به وضع مطلوب یا قابل قبول هدف اصلی آن بوده است. گرچه مقاله تحقیقی «به این دلیل که یافته‌های پژوهش انجام یافته را منعکس می‌کند، گزارش تحقیق نیز خوانده می‌شود» (حری، 1385، ص 181)، انتقال صرفاً گزارش گونه داده‌ها منجر به مطالبی خشک و تاحدودی نامفهوم خواهد شد. از سوی دیگر، با وجود رشته‌های متعدد و متفاوت در این پژوهش، ارائه توصیف و تحلیل کلی و یکجانبه برای همه رشته‌ها نیز فرایندی غیر علمی و کم‌محتوا را در پی خواهد داشت. سرانجام، در این نوشتار تلاش می‌شود تا مراحل پژوهش با ذکر مثالهایی در مورد بعضی رشته‌ها معرفی و تا حد امکان تشریح شده، سپس به‌طور جداگانه یافته‌های پژوهش تحلیل شوند. همان‌طور که آمد مقاله حاضر به بررسی فاز اول (مراحل اول تا ششم) و دوم (مراحل هفتم تا نهم) که از داده‌های پژوهش یا پروژه اول (جستجوی سرفصلهای درسی ...) در آنها استفاده شده است، می‌پردازد.

فاز اول

مرحله اول: بررسی وضعیت موجود سرفصلهای رشته‌های هنر در دانشگاههای ایران در شهر تهران (آغاز فاز)

1. جستجو و انتخاب تمامی دانشگاههای تهران که رشته‌های هنر را تدریس می‌کنند؛

2. مراجعه به دانشگاهها، بررسی رشته‌ها و سرفصلهایی که در هر دانشگاه خاص

تدریس می‌شد، تهیه سرفصلها، شرح دروس و نیز فهرست مدرسان؛

3. درمیان گذاشتن فهرست مذکور طی جلساتی مکرر با دیگر اعضای گروه جهت

تصمیم‌گیری در مورد استادان، سرفصلهای مشترک بین برخی رشته‌ها و نیز نتخاب فهرست تکمیلی و تأیید شده استادان که ویژگیهای مورد نظر پروژه را داشته باشند.

از آنجایی که «تحقیق میدانی نه به روشی خاص، بلکه به محیطی (میدانی) اطلاق می‌شود که تحقیق در آن صورت می‌گیرد» (بیکر، 1386، ص 277)، این مرحله از پژوهش، آغاز ورود به میدانی بود که روش خاص خویش را طلب می‌کرد و نیز از آنجایی که «مشاهده میدانی با دیگر روشهای مشاهده از آن رو متفاوت است که تنها به جمع‌آوری داده‌ها منحصر نمی‌شود، بلکه از درون آن نظریه‌سازی نیز صورت می‌گیرد» (بیکر، 1386، ص 278). شناخت میدان و نظریه‌سازی از همین ابتدا آغاز گردید که لازمه آن بررسی میدان، تعیین روشهای مطالعه در میدان، مشاهده میدان و مهم‌تر از همه خلاق بودن در امر مواجهه با میدان بود. عموماً در بدو ورود به میدان، آنچه آشکاراست، «سخت» بودن رویکرد گروهی از اصحاب آموزش در مواجهه با پرسش و کنکاش است؛ تا حدی که گاهی حتی تحویل یک برنامه درسی ساده نیز «سخت» به نظر می‌آید. این امر ناشی از نوعی ناامیدی و بی‌اعتمادی به این حقیقت است که می‌توان برای ارتقا و پیشبرد آموزش هنر در ایران کاری کرد. در این زمینه شرایط سخت تهیه کتابهای هنری از نظر هزینه، کیفیت و محتوای آن از عواملی است که تهیه کتاب خوب را دشوار و گاهی محال می‌کند.

مرحله دوم: مقایسه تطبیقی سرفصلهای دانشگاههای ایران و خارج از ایران در هر رشته پژوهشگران در این مرحله سرفصلهای دانشگاههای ایران و خارج از ایران را، با تکیه بر عناوین و شرح دروس مقایسه کردند. این امر به جهت یافتن این موارد انجام شد:

1. سرفصلهایی که در هر دو حوزه مشترک هستند؛
2. سرفصلهایی که تنها در دانشگاههای ایران تدریس می‌شوند؛
3. سرفصلهایی که تنها در دانشگاههای خارج از ایران تدریس می‌شوند؛
4. بررسی نتایج به دست آمده و استخراج سرفصلهایی که تدریس آنها از هر نظر در ایران مورد نیاز است و با شرایط بومی کشور نیز مطابقت دارند.

تلاش اعضای گروه بسیار عمیق، با علاقه و موشکافانه بود. در ترجمه و ارزیابی سرفصلها دقت بسیاری صورت گرفت که این امر اعتبار داده‌ها را بیش از پیش افزایش می‌داد. همچنین اعضای گروه از آنجا که خود از متخصصان و دست‌اندرکاران امور آموزشی بودند، احاطه کاملی به مشکلات آموزش و چگونگی مطالعه و تطبیق سرفصلها داشتند. تعدادی از آنان نیز از طریق برقراری ارتباط با استادان و متخصصان و در میان گذاشتن موضوع پژوهش، از نظریاتشان بهره‌مند شدند.

این مهم علاوه بر بالا بردن آگاهی اعضای گروه در زمینه سرفصلها و رسیدن به دریافتی بیشتر و عمیق‌تر، منجر به تهیه فهرستی از «سرفصلهای مورد نیاز» به عنوان یکی از

مواد پرسش‌نامه گردید. اعضای گروه از فعالیتهای خود تا این مرحله گزارشهایی تحویل دادند که حاوی نتایج بررسی‌شان بود. در برخی رشته‌ها مثل طراحی پارچه و لباس تفاوت زیادی بین ساختار درسی ایران و دیگر کشورها مشاهده نگردید (به جز تمرکز فراوان دانشگاههای دیگر کشورها بر روی «مد» که با ساختار فرهنگی جامعه ما تناسبی نداشت)، اما در بیشتر رشته‌ها تعداد زیادی سرفصل استخراج شد که تعداد برخی مثل رشته گرافیک به 100 سرفصل هم رسید. سرانجام، تعداد محدودی سرفصل در حد بضاعت پرسش‌نامه و شرایط بومی کشور اولویت‌بندی و انتخاب شد. برای مثال، مسئول رشته صنایع دستی در گزارش خود بر این باور بود که صنایع دستی از هنرهایی است که امروزه متأسفانه از مسیر اصلی خود خارج شده است و مشخص نیست به چه سمتی حرکت می‌کند. در این پژوهش با مطالعه و تحقیق در دانشگاههای معتبر، که در رشته‌های متعدد صنایع دستی فعالیت دارند، نتایج قابل توجه و مناسبی به دست آمد و در نتیجه، 12 واحد اصلی و کاملاً مورد نیاز در ایران یافت شد؛ مانند «ساخت آثار کاربردی بر اساس مبانی زیبایی‌شناختی»، «شناخت کامل تئوری دروس کارگاهی» و «روشهای به کارگیری مهارت در جنبه‌های تولیدی صنعت». مشکلات این رشته به مشکلات رشته موسیقی ایرانی بسیار نزدیک بود.

یافتن کمبودهای آموزشی در زمینه سرفصلها از اصول مهم چنین تحقیقی است. بسیاری از استادان نیازهای آموزشی رشته خویش را با تدریس همین کمبودها جبران می‌کنند، گرچه مطالبشان جزء شرح درس سرفصل نیست. از سوی دیگر، تغییرات قابل توجهی در همه زمینه‌های هنری اعم از نظری و عملی پدید آمده است و بسیاری از سرفصلها اکنون دیگر کاربردی ندارند. موضوعات مهم و جدیدی به عرصه آموزش وارد شده‌اند که جای خالی آنها از طریق همین نوع آموزش به وسیله برخی استادان جبران می‌شود (تدریس مطالبی غیر از آنچه در عنوان یا شرح سرفصل وجود دارد). یافتن این سرفصلها و در میان گذاشتن میزان نیاز به آنها با استادان و دانشجویان، کمک بزرگی برای دستیابی به چشم‌اندازی گسترده‌تر از وضعیت سرفصلها و در راستای آن برآورده کردن نیازهای درسی آنها به بهترین شکل می‌کند. در واقع، جستجوی صرف کتابهای مورد نیاز برای سرفصلها، بدون مطالعات و تحقیقات یاد شده نگاهی تک بعدی است که سرانجام محصولی تک‌بعدی را در پی خواهد داشت. تأثیر تحقیق موازی در مورد «سرفصلهای مورد نیاز» و «نیازهای واقعی درسی سرفصلهای موجود» در مراحل بعدی تحقیق - یعنی هنگامی که قرار است در میان منابع درسی معرفی شده به وسیله پاسخ‌دهندگان انتخاب یا انتخابهایی صورت گیرد - کاملاً مشهود است.

مرحله سوم: تهیه پرسش‌نامه

این مرحله طی نشستهای متعدد، مطالعه و آموزش روشها و تمهیدات پرسش‌نامه‌نویسی انجام شد. تمامی نمونه پرسشهای تهیه شده به وسیله اعضای گروه، طی جلساتی با نظر همگی و با دقت اعضا بررسی شد. با تأکید بر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جامعه آماری در امر تهیه پرسش‌نامه‌ها چه از نظر شکل و فرم و چه محتوا، معیارهای لازم رعایت شد؛ گو اینکه جامعه آماری پژوهش به سادگی تحت هر معیاری قرار نمی‌گرفت، بنابراین اعضای گروه باید به روشهایی خلاقانه برای رسیدن به حداکثر نتیجه‌گیری متوسل می‌شدند. برآیند این نشستها منجر به طراحی سؤالاتی برای همه گروهها شد. ساختار اصلی هر پرسش برای تمامی رشته‌ها یکسان بود، اما زیرمجموعه آن (مثل عنوان سرفصلها) به نسبت رشته‌ها متفاوت بود. در این مرحله نیز به تناسب مسائل هر رشته تغییراتی داده شد. برای مثال، در مورد رشته موسیقی ایرانی پرسش مربوط به سرفصلهای خارجی حذف شد. در طراحی و صفحه‌آرایی پرسش‌نامه نیز تمهیداتی ویژه در نظر گرفته شد، از جمله استفاده از کاغذ سبزرنگ و دارای آرم سازمان مطالعه و تدوین (سمت) در صفحه اول پرسش‌نامه و تنظیم متن توضیحی مناسب و مجزا برای استادان و دانشجویان.

تدوین پرسش‌نامه‌های غیر اصولی نگرشهای منفی در باره پرسش‌نامه - به عنوان یک روش تحقیق - ایجاد می‌کند. بر خلاف تصور بعضی که معتقدند پرسش‌نامه را باید در زمانی کوتاه و سریع تدوین کرد، با در نظر گرفتن تمهیدات روان‌شناسی و توجه به جامعه‌شناسی جامعه آماری و استفاده از زمان و انرژی کافی می‌توان سطح محتوای پرسش‌نامه را بالا برد؛ زیرا مهم و قابل توجه بودن محتوای پرسش‌نامه بر دقت پاسخهای دریافتی تأثیر می‌گذارد. سؤالات ساده و مختصر از ویژگیهای یک پرسش‌نامه موفق است. این امر شاید ساده به نظر برسد، اما توانایی طرح سؤالات مختصر و واضح نوعی هنر است یا در طراحی سؤالاتی که مخاطب برای پاسخ دادن به آن نگران چشم‌انداز شخصیتی خود نباشد، باید بتوان از پاسخ‌دهنده جواب واقعی را گرفت. طراحی و صفحه‌آرایی پرسش‌نامه، که معمولاً به آن توجهی نمی‌شود، باید به نحوی باشد که پاسخ‌دهنده لازم نباشد دنبال چیزی بگردد یا وقت و انرژی بیشتری غیر از تمرکز بر پاسخ بگذارد. این نکات در فضای چنین تحقیقهایی که «بسته» و «آکنده» از «پیش‌فرض»هاست می‌تواند تأثیر خود را نشان دهد و ترغیب بیشتری در پاسخ‌دهنده ایجاد کند، به نحوی که پاسخ‌دهنده نسبت به موضوع تحقیق احساس نزدیکی و حتی دلسوزی نماید.

مرحله چهارم: توزیع و بازپس‌گیری پرسش‌نامه‌ها

توزیع پرسش‌نامه‌ها در بیشتر موارد مستقیم صورت گرفت. به عبارت دیگر، تقریباً در هیچ موردی پرسش‌نامه‌ها در دفتر گروه گذاشته نشد؛ پست نشد؛ به شخص دیگری جز فرد مورد نظر تحویل داده نشد؛ بدون پیگیری رها نشد و یا در فرد مورد نظر ناامیدی، به جهت پیگیری مکرر در یافتن آن، پدید نیامد و موارد دیگر. اعضا شخصاً با اصراری بی‌نظیر و تماسهای مکرر به دفتر یا محل کار و حتی منزل استادان مراجعه کردند و حتی در مورد برخی استادان سرسخت یا بسیار مسن سؤالات به صورت شفاهی پاسخ داده شد و پژوهشگر مربوط همان زمان پاسخ را یادداشت کرد یا با مصاحبه تلفنی و حضوری پاسخها را از فرد مورد نظر دریافت نمود. برای تحویل پرسش‌نامه‌ها به دانشجویان، پژوهشگران پروژه خود در کلاسها شرکت کرده و پس از دادن توضیحاتی که از قبل در نظر گرفته شده بود، پرسش‌نامه‌ها را توزیع کردند و به تناسب شرایط یا همان زمان بازپس گرفتند یا در نوبت بعدی مراجعه کردند. این امر مستلزم هماهنگی از قبل با استاد و مدیر گروه مربوط بود که مشکلات بسیاری را نیز به همراه داشت؛ این مشکلات برخاسته از غریب بودن فرهنگ پرسش‌نامه برای مردم کشورمان بود، به ویژه اصحاب رشته‌های هنری که بر خلاف رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی بسیار کم با این گونه پژوهشها سروکار دارند.

توضیح وضعیت سخت و طاقت فرسای این مرحله از پژوهش قابل بیان نیست، اما باید گفت در چنین مواردی تنها و تنها صبوری، درک موقعیت خاص جامعه، اشتیاق زیاد برای رسیدن به نتیجه حتمی و هرگز ناامید نشدن می‌تواند راز موفقیت باشد.

همه ما در زندگی همواره در حال مشاهده کردن هستیم و تحقیق میدانی به معنای روش مند کردن این مشاهده و بسط و گسترش آن در لایه‌های عمیق‌تر مشاهده است، به نحوی که بتوان به درجه‌ای وسیع‌تر از آگاهی در مورد موضوع پژوهش رسید. عموماً در این مرحله مواردی سخت وجود دارد که به صبوری بسیار و اراده‌ای استوار برای ادامه آن نیاز است؛ به‌ویژه در مورد این تحقیق که مواردی همچون نگاه مثبت نداشتن به پژوهش پرسش‌نامه‌ای، جبهه‌گیری نسبت به هر نوع پرسش و سؤالی که می‌تواند اطلاعات اشخاص را مورد ارزیابی و سؤال قرار دهد، عدم باورپذیری به اینکه چنین طرحی ممکن است به نتیجه برسد، و نظر چندان مطلوب نداشتن به سازمان «سمت» مشکلاتی برای اعضای گروه ایجاد کرده بود. تمهیداتی که در این موقعیت به کار می‌آید، پرهیز از به کار بردن کلمه «پرسش‌نامه» در پرسش‌نامه و گفتگو با

مخاطبان است. افراد زیادی نظری بی‌طرفانه‌ای به این کلمات ندارند، ضمن اینکه باور جا افتاده‌ای از گذشته برای بعضی از اهل هنر وجود دارد که بر اساس آن وجهه نظری مطالعات هنری، از جمله موارد مورد نیاز برای کمک به هنر و رشته‌های هنر نیست و کتابهای مرتبط با وجهه عملی هم در ایران قابل چاپ با کیفیت مناسب نیستند. گو اینکه این دسته از مخاطبان نیز پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه کردند. مواجهه با این طرز تفکر دست‌اندرکاران تحقیق پیش‌رو را به این نتیجه رساند که در این زمینه کاری بسیار سخت در پیش‌روست و با مداومت در پیگیری تحقیق و رساندن آن به مرحله تهیه و چاپ کتابهای آموزشی مناسب می‌توان به تعدیل باورها کمک کرد و شاید گامهایی برای ارتقای سطح آموزش انجام داد.

با وجود سختیهای غیرقابل تصور در امر داد و ستد پرسش‌نامه‌ها، توجه به نکات ذکر شده و ایجاد حس همدلی در مخاطب از عوامل موفقیت این پروژه بود، کما اینکه برخی پاسخ‌دهنده‌ها (عموماً از دانشجویان) با حروف درشت درخواست و نیاز خود را فریاد زده بودند! برخی استادان نامه‌هایی مفصل و جدا از پرسش‌نامه و خطاب به سازمان «سمت» یا مسئول طرح نوشته بودند. حتی برخی به این سازمان مراجعه کرده و پرسش‌نامه را حضوراً به آن تحویل داده یا پست کرده بودند. بعضی نیز وقت بیشتری گذاشته و در مورد پرسشها تحقیق کرده و نتایج تحقیق را ضمیمه کرده بودند. نکته جالب توجه اینکه بعضی مخاطبان از مسئول مربوط (دهنده پرسش‌نامه) اجازه گرفتند تا از اطلاعات و مواد پرسش‌نامه استفاده نمایند (مواردی مثل عناوین سرفصلها و فهرست دانشگاهها که ضمیمه شده بود).

مرحله پنجم: استخراج مواد طی چند مرحله

با توجه به نکات مطرح شده در رابطه با پرسش‌نامه‌ها و غیر معمول بودن فرهنگ پرسش‌نامه در کشورمان و در نتیجه نحوه متفاوت پر کردن آن به وسیله پاسخ‌دهندگان، استخراج مواد و اطلاعات لازم از پرسش‌نامه‌ها روشهای خاصی را می‌طلبد. برخی پاسخها را تشریحی نوشته بودند یا تعدادی از پاسخها در جای خودش نبود؛ بخصوص پرسش پایانی که پرسشی آزاد و محلی برای درددل بود و نکات مهمی نیز در آن به چشم می‌خورد. در واقع با این پرسش‌نامه‌ها نباید صرفاً برخوردی آماری می‌شد، بلکه لازم بود تک‌تک آنها مطالعه شده و با به کارگیری کدگذاری، فنون تحلیل داده‌ها و نیز فنون تقلیل داده‌ها، آمار و اطلاعات لازم تهیه می‌شد. برای آمارگیری در این مرحله فرمهایی طراحی شد که به ترتیب کاربردشان شامل: «فرم درصد»، «فرم پیش‌نیاز آمارگیری» و «فرم آمارگیری» بود که برای این کار جلساتی جهت برنامه‌ریزی و آموزش چگونگی پر کردن

فرمهای ذکر شده تشکیل شد. باید گفت در چنین تحقیقی معمولاً نرم افزار SPSS کاربرد بسیاری دارد، اما در تحقیق اخیر فرمهای طراحی شده برای استخراج داده‌ها از نرم افزار مذکور کاربردی تر بود. این پرسش‌نامه‌ها نیاز به تحلیل داشت و داده‌ها هم آماری و هم کیفی بود و نرم‌افزار مذکور پاسخگوی تمامی نیازها نبود (البته با سهل‌تر شدن راه چنین پژوهشهایی در آینده با تکیه بر تجربه‌ها، پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای طراحی نرم افزارها یا استفاده کاربردی تر از نرم‌افزارهای موجود باشد).

«نتایج و اطلاعات مشاهدات و تحقیق در باره آنها به صورت کیفی به دست می‌آید و به سادگی نمی‌توان مشاهدات را تبدیل به ارقام و اعداد کرد» (بلیکی، 1384، ص 580). در مورد این تحقیق لازم بود داده‌ها تحلیل و سپس آمارگیری شوند. تحلیل داده‌ها شامل موارد بسیاری بود: عناوین متعدد و به ظاهر متفاوتی که در اصل یک چیز بود، اما به زبانهای مختلف نوشته شده بود؛ پاسخهایی که در جای خود قرار نگرفته بود؛ پاسخهایی که به صورت تشریحی و طولانی نوشته شده بود و لازم بود پژوهشگر اصل و منظور پاسخ‌دهنده را دریافت و سپس در آمارگیری لحاظ کند و غیره. از آنجا که «فعالیت اصلی در تحلیل داده‌های کیفی شکل خاصی از کدگذاری است» (بلیکی، 1384 ص 309) در تحلیل داده‌ها از این روش استفاده شد. البته همان‌طور که آمد فعالیتهایی نظیر آمارگیری و کدگذاری که مبتنی بر روش کمی‌اند کافی نبودند و روشهای کیفی نیز جایگاه و کاربرد ویژه خود را یافتند. «پژوهشگران کمی تحمل عدم قطعیت و ابهام را ندارند و نظم، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت را ترجیح می‌دهند، اما مواردی هست که پژوهشگر باید خود ابزار سنجش باشد. در واقع، گردآوری داده‌های کیفی [در بسیاری موارد] فاقد وضوح و غیرقابل پیش‌بینی است و نیازمند پژوهشگرانی است که بتوانند با ابهام، پیچیدگی، عدم قطعیت و فقدان کنترل کنار بیایند» (بلیکی، 1384 ص 315). در باوری کلی ما انتظار داریم پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌های ساخت یافته، داده‌های عددی تولید کنند، اما همواره این‌طور نیست و در بسیاری موارد داده‌های غیر عددی تولید می‌شود. برخی پژوهشگران اعداد و برخی کلمات را مورد تحلیل قرار می‌دهند. «در هر حال وقتی نتایج مکتوب می‌شوند حاصل تحلیلهای عددی نیز باید هم در قالب کلمات و هم اعداد ارائه شود. نکته حساس این است که کلمات بر چه اساسی استوارند (بلیکی، 1384 ص 350).

مرحله ششم: تهیه گزارش نهایی و ارائه نتایج به دست آمده از داده‌های تحقیق (پایان فاز اول)

در این مرحله برای تمامی فعالیتهای انجام شده گزارشهایی با ساختاری یکسان تهیه شد.

ساختار گزارش علاوه بر ساختار معمول برای نوشتن چنین گزارشهایی شامل: «تحلیل عینی» و «تحلیل ضمنی» فرم آمارگیری دانشجویان و استادان و «مقایسه تحلیلیها» بود که در آن پژوهشگران مواد پرسشنامه را مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. این گزارشها دربردارنده هشت پیوست حاوی نتایج تحقیق بود:

1. فهرست اطلاعات جامعه آماری پژوهش (استادان)؛
2. فهرست پیشنهادهای تألیف، ترجمه و پژوهش استادان و دانشجویان به تفکیک واحد درسی؛
3. فهرست پیشنهادهای تجدید چاپ؛
4. فهرست پیشنهادهایی که استادان و دانشجویان برای سرفصلهای مورد نیاز داده‌اند؛
5. فهرست مراکز آموزش عالی دیگر که استادان و دانشجویان معرفی کرده‌اند؛
6. فهرست افرادی که استادان و دانشجویان برای همکاری معرفی کرده‌اند؛
7. فهرست پیشنهادهای عناوینی که استادان و دانشجویان برای همکاری داده‌اند و
8. فهرست پیشنهادهای کلی مهم استادان و دانشجویان.

داده‌های این مرحله از پژوهش قابل توجه بود. با اینکه تحویل گرفتن پرسشنامه‌ها و برخورد مخاطبان در بسیاری موارد با اشکال مواجه شده بود، اما با پیگیری و اصرار پژوهشگران در بازخوانی پرسشنامه‌ها این نتایج را به دست داد: 1555 عنوان برای ترجمه و تألیف و پژوهش جهت سرفصلهای موجود؛ 110 عنوان برای تجدید چاپ (مربوط به پرسشنامه‌هایی که این سؤال را داشتند)؛ 367 عنوان برای ترجمه، تألیف و پژوهش جهت سرفصلهای مورد نیاز؛ 259 عنوان مراکز آموزش عالی که پاسخ‌دهندگان جهت پژوهشهای آینده معرفی کرده بودند و 493 نفر افرادی که پاسخ‌دهندگان برای همکاری معرفی کرده بودند؛ 267 عنوان شامل عناوین پژوهشی که پاسخ‌دهندگان برای همکاری پیشنهاد کردند. آمار ذکر شده داده‌های عددی پژوهش هستند که از تحلیل، کدگذاری و آمارگیری پرسشنامه‌ها به دست آمده‌اند. این عناوین خود به تحقیق و تحلیل و کارشناسی مجددی نیاز دارد، که در واقع آغاز فاز دوم را شکل می‌دهد.

فاز دوم

مرحله هفتم: طراحی فرمهایی برای بازبینی و ارزشیابی مواد گزارش فاز اول (آغاز فاز دوم)

ضرورت اجرای فاز دوم پژوهش به این مهم برمی‌گشت که می‌بایست تمامی مواد و عناوین ارائه شده در فاز اول را متخصصان مربوط در لایه‌هایی عمیق‌تر، کارشناسی و ارزیابی کنند. به عبارت دیگر، مواد پروژه قبل به محصول قابل استفاده برای نیاز سازمان «سمت» تبدیل شود که به بار نشستن آن مستلزم کار گروهی دقیق و تحقیق بر روی مواد پروژه فاز اول بود. ابتدا فرم‌هایی طراحی شد تا با استفاده از آنها، داده‌های حاصل از فاز اول پروژه به نحو صحیح و کاربردی برای مراحل اجرایی در سازمان ساماندهی شوند. عناوین فرم‌های مذکور بدین قرار بود:

فرم یک: وضعیت موجود کتابهای درسی رشته‌های گروه هنر و وضع مطلوب از حیث تعداد.

فرم دو (ترجمه): اولویتهای ترجمه در واحدهای درسی موجود.

فرم سه (ترجمه): اولویتهای ترجمه در واحدهای درسی مورد نیاز.

فرم چهار (تألیف): اولویتهای تألیف در واحدهای درسی موجود.

فرم پنج (تألیف): اولویتهای تألیف در واحدهای درسی مورد نیاز.

فرم شش (پژوهش): اولویتهای پژوهش در واحدهای درسی موجود.

فرم هفت (پژوهش): اولویتهای پژوهش در واحدهای درسی مورد نیاز.

فرم هشت: عناوین نهایی برای تجدید چاپ کتابهای درسی گروه هنر.

فرم نه: اطلاعات همکاران پیشنهادی برای تهیه منابع درسی گروه هنر.

فرم ده: فرم نهایی برای کتابهای درسی پیشنهادی گروه هنر.

فرمها طوری طراحی شدند که بتوان تمامی مواد به دست آمده از پروژه فاز اول را به گونه‌ای کاربردی و اولویت‌بندی شده در آن ساماندهی کرد. ابتدا، دورنمایی کلی از وضعیت موجود کتابهای درسی هنر مورد نیاز بود و اینکه چقدر فاصله تا وضعیت مطلوب وجود دارد (فرم یک). به طور طبیعی، وضعیت کتابهای موجود قابل تصور بود و نیز آگاهی به این امر وجود داشت که داده‌های عددی پژوهشگران رای کتب موجود به طور قطع دقیق نخواهد بود (تهیه چنین آماری خود مستلزم تحقیقی جدید و جداگانه بود، ضمن اینکه آمار دقیق مورد نیاز هم نبود)، اما این دورنمای کلی و تعیین فاصله تا وضع مطلوب تا حد زیادی می‌توانست به اولویت‌بندی سرفصلهای درسی و کتب کمک کند. «اولویت‌بندی سرفصلها» نیز در تمام فرمها لازم بود تا زمان‌بندی رسیدگی به آنها و

موقعیتشان از نظر نیاز نسبت به سرفصلهای دیگر روشن شود؛ اولویت‌بندی از نظر نیاز به ترجمه (فرم دو و سه)، تألیف (فرم چهار و پنج) و پژوهش (فرم شش و هفت). همین اولویت‌بندی در خود عناوین ارائه شده نیز باید در نظر گرفته می‌شد. در فرم ده به عنوان فرم نهایی، علاوه بر اولویت‌بندی سرفصلها، عناوین معرفی شده برای هر سرفصل نیز از نظر نیاز به ترجمه، تألیف یا پژوهش می‌بایست اولویت‌بندی شوند.

مرحله هشتم: تکمیل فرمها

1. فرمهای ده‌گانه. این مرحله شامل تکمیل فرمها توسط اعضای گروه بود. از آنجایی که هر یک از رشته‌ها در بردارنده مسائل و نکات ویژه خود بود، روندی پرفراز و نشیب داشت.

برای مثال، در رشته تصویر متحرک (انیمیشن) نیاز به ترجمه کتب از اولویت بیشتری برخوردار است، اما پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها کتابهای فراوان و متنوعی معرفی نکرده و اعلام کرده بودند که تعداد آنها کم یا دسترسی به آنها دشوار است. در این راستا لازم بود که پژوهشگر این رشته جستجوهای جدیدی برای جبران این کاستی انجام دهد و با توجه به اطلاعات وسیع و تخصصی که در این زمینه داشت به نحو مطلوبی داده‌های بارزشی را به مجموعه داده‌ها بیفزاید. یا در مورد سرفصلهای مورد نیاز رشته ارتباط تصویری (گرافیک) به دلیل سرعت تنوع و پیشرفت روزافزون این رشته، بعضی داده‌ها نیاز به روزآمد شدن و در پی آن تکمیل اطلاعات مربوط داشت که این امر را نیز پژوهشگر مربوط انجام داد.

نکات مذکور در مورد رشته‌های دیگر نیز صادق بود. بنابراین، در ابتدای این مرحله پژوهشگران وقت زیادی را به تکمیل کمبودهای اطلاعات موجود در کنار جستجو و کارشناسی داده‌های پروژه قبل اختصاص دادند. داده‌های حاصل از فاز اول در زمینه معرفی عناوین تألیف، ترجمه و پژوهش تحت فرمهای ترجمه، تألیف و پژوهش قرار گرفتند. در هر یک از این فرمها ابتدا اولویت‌بندی سرفصل در زمینه ترجمه، تألیف یا پژوهش مورد توجه قرار گرفت و سپس اولویت‌بندی عناوین معرفی شد. البته برای برخی از کتابها بیش از پنجاه عنوان معرفی شده بود که هم انتخاب و هم اولویت‌بندی آنها کار مشکلی بود. عناوین تألیفی نیز در برخی موارد محتوای یکسانی داشتند یا اینکه لازم بود ذیل عناوین پژوهش قرار گیرند نه تألیف. اساس انتخاب و تفکیک بین عناوین تألیف و پژوهش میزانی داشت که باید بررسی و انتخاب می‌شد؛ عناوینی که برای آنها شخص یا اشخاصی خبره در

دسترس نبود، عناوینی که آنقدر غریب و فقیر بودند که حتی به گوش اهل آن رشته جز در حد معرفی واحد درسی ناآشنا بود، عناوینی که حتی برای تألیف آن به تحقیق گسترده نیاز بود که تحت موضوع پژوهش قرار گرفتند و بقیه پس از بررسیهای لازم در موضوع تألیف نهاده شدند. نکته مهم، بعد از اولویت‌بندی عناوین تألیف و پژوهش، معرفی افراد مناسب برای هر عنوان و هر سرفصل بود که این خود نیز تحقیق مختص خود را طلب می‌کرد. سرانجام، تمامی عناوین موجود و تکمیلی را متخصصان مربوط در لایه‌هایی عمیق‌تر کارشناسی، ارزیابی و اولویت‌بندی کردند.

2. کارشناسی کتابهای لاتین. اطلاعات کلیه کتابهای لاتین معرفی شده را نیز محققان جستجو و ارزیابی کردند، به طوری که بعضی از آنها حذف و عناوین جدیدتری یافت شد و نیز برای مواردی که کمبود وجود داشت جستجوی جدیدی آغاز گردید. محصول این بازبینیها و جستجوها در فرمتی ارائه شد که شامل عنوان کتاب، نویسنده، فهرست کتاب، چکیده یا معرفی کتاب، ناشر، تعداد صفحات، وضعیت تصاویر، تصویر جلد و نیز نظر کارشناسی پژوهشگر بود. این بخش از پژوهش به دلیل نیاز به ترجمه متون و تأمل در محتوای کتاب جهت کارشناسی، انتخاب و اولویت‌بندی وقت زیادی را به خود اختصاص داد و نیز شامل حجم زیادی از مواد پژوهش گردید.

مرحله نهم: ارزیابی نهایی، کارشناسی، تکمیل و اصلاح فرمها (پایان فاز دوم)

این مرحله شامل ارزیابی نهایی، کارشناسی، تکمیل و اصلاح فرمها بود که نتایج آن در نشستهایی جداگانه به پژوهشگران انتقال یافت و در مورد داده‌های تدوین شده بحث و بررسی گردید و تغییرات لازم با دقت و موشکافی فراوان اجرا شد. همچنین پرسش‌نامه‌های دیگری نیز تهیه شد که مخصوص خود پژوهشگران بود و در آن وضعیت پروژه و اداره آن و نیز نیازهای جدی‌تر که باید به آن سریع‌تر پرداخته می‌شد، مورد بررسی قرار گرفت.

تعداد کل سرفصلهای چهارده رشته‌ای که در این تحقیق بررسی شد، بیش از 230 سرفصل بود که از میان آنها 57 سرفصل بین رشته‌ها و یا گرایشها مشترک بودند. از مجموع آماري که از تحقیقات پژوهشگران به دست آمد، روشن شد که در حال حاضر در حدود بیش از 540 عنوان کتاب برای سرفصلهای هر چهارده رشته در بازار موجود است؛ که از میان آنها تنها 232 عنوان به طور مستقیم با سرفصلها ارتباط دارند و بقیه به‌طور غیر مستقیم قابل استفاده برای سرفصل هستند؛ یعنی تقریباً یک کتاب برای هر سه فصل وجود دارد (البته در واقعیت برای بسیاری از سرفصلها هیچ کتابی موجود نیست و برای بعضی دو یا سه

کتاب). اما نکته مهم این است که از میان آنها (بیش از 540 عنوان که 232 تای آنها به طور مستقیم به سرفصل مربوط هستند)، تنها 40 کتاب کیفیت قابل قبولی دارند! و بقیه در وضعیت نامطلوبی هستند؛ نکته مهم تر اینکه گزینه‌ها شامل: نامطلوب، قابل قبول و مطلوب بودند و درصد کتابهای مطلوب بسیار ناچیز بود.

طبق پیشنهاد پژوهشگران حداقل 900 عنوان یا کتاب برای کلیه 230 سرفصل مورد نیاز است (تقریباً 4 کتاب برای هر سرفصل) که از این میان 170 عنوان به طور مشترک برای دیگر رشته‌ها نیز قابل استفاده است. جهت رفع نیاز مذکور، پژوهشگران در مجموع 1740 عنوان معرفی کرده‌اند؛ یعنی: 1290 عنوان برای سرفصلهای موجود و 450 عنوان برای سرفصلهای مورد نیاز (شامل ترجمه، تألیف و پژوهش) و همچنین بیش از 370 نفر محقق، مؤلف و مترجم برای تألیف، ترجمه و پژوهش عناوین مذکور و 39 عنوان نیز برای تجدید چاپ در رشته‌هایی که چنین نیازی داشتند. گفتنی است داده‌های عددی تنها می‌تواند حجم داده‌ها را برای برنامه‌ریزی معین نماید، اما باید توجه کرد که هر کدام از این عناوین به وسیله محققان پروژه جداگانه تحقیق و ارزیابی شده است و به جرأت می‌توان گفت اکثر آنها نیازهای حتمی و واقعی رشته‌ها را تشکیل می‌دهند.

نتیجه‌گیری

منابع درسی یکی از حیاتی‌ترین ابزارهای شیوه‌های آموزشی‌اند و شیوه‌های آموزش در طول زمان همواره مورد بازنگری و تغییر و تحول قرار گرفته است. عواملی چون توسعه عصر دانش، توسعه روزافزون فناوری ارتباطات و انقلاب الکترونیکی، تغییر ساختارهای استخدامی و جهانی شدن مفاهیم نیازهای جدید و متفاوتی را در حوزه آموزش پدید آورده است. به طور قطع، باید بازتاب این نیازها در آموزش عالی هر کشور بررسی شوند و شیوه‌های تدریس و ارزشیابی و منابع درسی نیز در پی آن یا موازی با آن تغییر یابند.

پژوهش «بررسی ساختار و عملکرد شورای عالی برنامه‌ریزی از بدو تأسیس تاکنون»¹ به وسیله گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی از جمله اقدامات در آموزش عالی است که به دو نمونه از نتایج آن اشاره می‌شود:

1. در اهداف شورای عالی برنامه‌ریزی از سه مبنای اساسی (جامعه، دانش و

1. مصوب چهارصد و شصتین جلسه: 1379/01/23 (تاریخ ابلاغ: 1379/06/28، شماره ابلاغ:

2190/دش) برگرفته از بخشنامه آموزش عالی موجود در سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی:

Iranculture, Available from: <http://Iranculture.org/provs/search.php?cat>, (87/10/22)

یادگیرنده) به یادگیرنده تأکید کمتری شده است، در صورتی که توجه به این عامل باعث ایجاد انگیزه بیشتر در یادگیرنده و در نتیجه موفقیت بیشتر می‌گردد.

2. نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی نظری موجود، از مهم‌ترین مراحل هر نوع برنامه‌ریزی است. این وظیفه به دفتر نظارت و ارزیابی تفویض شده، اما بازخورد چندانی از این واحد به شورا ارائه نشده است. گرچه کنترل کیفیت و بازنگری از ضروریات است، به علت کمبود بودجه و امکانات با مشکل مواجه شده است.

پژوهش حاضر می‌کوشد با توجه به نمونه اول از نتایج فوق، به یادگیرنده توجه بیشتری کرده، نیازهای او را مستقیماً از خود او دریافت کند؛ چه بسا از طریق مشورت با چند استاد خبره هم می‌شد عناوینهای دیگر تهیه کرد و به شیوه‌ای دیگر پژوهش را ادامه داد. در این زمینه باید به این اصل مهم توجه داشت که شخصیت خلاق یادگیرنده در دوران کودکی و تربیت عمومی هنرش شکل می‌گیرد و این پایه‌گذار جریانات آینده است. «یکی از انتقادات عمده کنونی بر سیستمهای آموزش عالی این است که دانشجویان را آنچنان که باید برای ورود به دنیای کار آماده نمی‌سازد و این امر نمایانگر نوعی کاهش کیفیت در آموزش عالی است که می‌تواند ناشی از کیفیت ضعیف دروندادهای آموزش عالی، از جمله محتوا و فرایندهای یادگیری، و به طور کلی برنامه‌های درسی نامناسب باشد که نمی‌توان نگرشها، دانشها و مهارتهای لازم را در آنان تقویت نماید. از این‌رو، باید به گونه‌ای به اصلاح و بازنگری و جهت‌دهی برنامه‌های درسی در آموزش عالی پرداخت تا هم منسجم و هم پاسخگوی دگرگونیهای ایجاد شده از جمله تحولات دنیای کار باشد» (عارفی، 1384، ص 141). در راستای این اصل مهم، پژوهش اخیر با نیازسنجی مستقیم از استادان و دانشجویان در مورد سرفصلهای درسی موجود و نیز در میان گذاشتن سرفصلهای مورد نیاز با آنان، برنامه درسی رشته‌های هنر را از نظر مخاطبان و کاربران آن گذراند و داده‌های مفیدی را جهت نظارت و ارزیابی، چه در زمینه نیازها، و چه در زمینه مشکلات برنامه درسی در اختیار گذاشت.

البته در راستای بازنگری سرفصلهای دروس رشته‌های هنر، طی جلساتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیماتی نیز اخذ شده است که در نتیجه ضرورت بازنگری، جهت یافتن کاستیهای نظام آموزش عالی رشته‌های هنر و سرفصل دروس رشته‌های هنر براساس اصول ذیل ارائه گردید (ر.ک: عارفی، 1384، ص 33):

1. تدوین دروس عمومی در راستای تقویت دروس تخصصی،

2. احیای جایگاه تحقیق در مقطع کارشناسی و پیگیری جدی آن در مقاطع بعدی،
3. ضرورت تأکید بر ارائه زبان تخصصی به عنوان اولویت ویژه،
4. بازبینی دروس براساس نیازهای حرفه‌ای و روز،
5. توجه به تقویت مبانی فکری دروس و
6. ارائه اهداف دروس در برنامه پیشنهادی.

با وجود این، گرچه در راستای بازنگری رشته‌های هنر اقداماتی صورت گرفته، با توجه به گذشت زمان شواهد نشان می‌دهد که بازنگری مجددی لازم است، گو اینکه محصول پروژه اخیر نیز چنین نیازی را نشان می‌داد.

در نهایت، با مرور مراحل پژوهش می‌توان گفت ابتدای تحقیق نشان داد که تعداد رشته‌های هنر بیش از تصور معمول است؛ در این جستجو، تعداد 41 عنوان، که از مقطع کاردانی تا دکتری را در برمی‌گرفت، به دست آمد. این امر وسعت رشته‌ها، گرایشها و سرانجام، گستردگی کار را نشان می‌داد. پژوهش بر دانشگاه‌های تهران و رشته‌های لیسانس و فوق‌لیسانس و دکتری متمرکز شد، اما بررسی وضعیت سرفصلهای رشته‌های هنری دانشگاه‌ها نشان داد که آموزش با مشکلات فراوانی توأم است و همین امر منجر به موانعی در تهیه کتابهای درسی رشته‌های هنر شده است. سرفصلهای قدیمی دیگر کارکرد خود را از دست داده بودند و در نتیجه، ضرورت و انگیزه‌ای برای تهیه کتاب برای آنان وجود نداشت. این امر در مرحله دوم پروژه فاز اول بررسی و تأیید شده بود. در این راستا برخی استادان به همان ساختار قدیمی و در نتیجه جزوه‌های قدیم‌تر بسنده کرده بودند، اما این امر موجب دلسردی و بی‌انگیزگی آنان برای تهیه کتاب درسی شده بود. استادانی دیگر نیز، نیاز دانشجویان به سرفصلهای جدید را شناسایی و با دلسوزی بخشهایی از کتابهای مناسب و به روز را ترجمه می‌کرده یا جزوه‌ای تألیفی تهیه می‌کردند و در اختیار دانشجویان قرار می‌دادند. اما از آنجا که کتابها و جزوه‌های جدید با محتویات سرفصل قدیمی مطابقتی ندارد و نیز بیشتر این استادان در واقع نسخه جدیدی از آن سرفصل یا حتی سرفصل دیگری را تدریس می‌کردند، باز هم انگیزه و دلیل کافی برای تهیه کتاب کم شده بود؛ این امر به این حقیقت اشاره دارد که برخی از سرفصلهای رشته‌های هنر (در حقیقت بیشتر سرفصلها) در مقایسه با رشته‌های معادل در دانشگاه‌های معتبر جهان به روز نیست و کاستیهای بسیاری دارد. این کاستیها تحت عنوان سرفصلهای مورد نیاز در مرحله دوم استخراج شده بود و جزء سؤالات پرسش‌نامه قرار گرفت. البته بسیاری از دانشگاه‌های هنر برنامه‌هایی برای

اصلاح سرفصلهای درسی داشتند که مطلع شدن از آنها امر برنامه‌ریزی برای فاز دوم را سهل‌تر می‌کرد. برای مثال، دانشگاه تربیت مدرس برای دوره کارشناسی ارشد و دکتری پژوهش هنر گرایش‌هایی تخصصی در نظر گرفت و در اندیشه تحویل آن به وزارت علوم بود. البته پرسش‌نامه سؤالات دیگری نیز داشت که با دقت و صرف وقت و انرژی بسیار تهیه شده بود و پس از تدوین آن و رعایت نکات لازم هم در فرم و هم در محتوا، اعضای گروه پژوهشی آماده ورود به میدان شدند تا با روش‌هایی خلاقانه موانع را از سر راه بردارند و به نتیجه مورد نظر برسند. خلاق بودن در هر مرحله مستلزم این ویژگیها بود: «بصیرت: با درک و فهم دیدن؛ علاقه‌مندی: با گشاده‌رویی و اشتیاق وارد میدان شدن؛ خودشناسی: توانایی درک واکنشهای شخصی خود و تمایزشان از واکنشهای دیگر» (بیکر، 1384، ص 278).

با نیازسنجی از مدرسان، شاغلان و دانشجویان رشته‌ها و با توجه به خواسته‌های پاسخ‌دهندگان معلوم شد که با رعایت نکات اصولی و مهمی که مختص چاپ کتابهای هنری است، امکان ارتقای سطح کیفی سرفصلهای درسی از طریق چاپ کتابهای مورد نیاز وجود دارد و حتی می‌توان با مراجعه به فهرست دقیق و کارشناسانه محققان (که از یافته‌های پژوهش بود) به افراد زبده و مناسب در جهت گسترده کردن فعالیتهای بخش هنر سازمان «سمت» دست یافت. گزارش و همچنین نتایج این مرحله در چهارده جلد¹ به سازمان «سمت» ارائه شد که هر کدام شامل گزارش کامل فعالیتهای مربوط به هر رشته و نیز هشت پیوست از داده‌های به دست آمده بود.

در فاز دوم پژوهش، دغدغه پژوهشگران بیشتر این بود که مواد پروژه فاز اول چگونه به محصول قابل مصرفی برای نیازهای سازمان «سمت» تبدیل خواهند شد؟ و در حد امکان تلاش شد داده‌های فاز اول با تحلیل و کارشناسی، و تحقیق دوباره در منابع معرفی شده تبدیل به موادی کاربردی شده، اولویت‌بندی شوند. گزارش و نتایج این بررسی و ارزیابی در دوازده جلد² به سازمان «سمت» ارائه گردید و هر کدام شامل نمونه پرسش‌نامه مربوط به فاز اول (جهت دیدن و یادآوری)؛ تعداد ده فرم پر شده؛ اطلاعات

1. این چهارده جلد به صورت کتابچه‌هایی در گروه پژوهشی هنر سازمان «سمت» موجود است که از آنها به صورت مرجعی در زمینه اطلاعات رشته‌ها و موارد دیگر بهره‌برداری می‌شود.
2. این دوازده جلد به صورت کتابچه‌هایی در گروه پژوهشی هنر سازمان «سمت» موجود است که از آنها به صورت برنامه‌ای مشخص و مرحله‌بندی شده جهت تألیف و ترجمه منابع و نیز مرجع مؤلفان و مترجمان و پژوهشگران استفاده می‌شود.

کتابهای لاتین ارائه شده در فرم یک، سه و ده بود. در واقع، محصول این پژوهش چشم‌اندازی از آینده درسی در 12 رشته و گرایش هنر است که اجرایی شدن مرحله به مرحله آن، تغییر و حرکت قابل توجهی در وضعیت آموزش رشته‌های هنر کشور پدید خواهد آورد.

بدیهی است پرداختن صرف به کتاب درسی به طور مجزا از برنامه درسی و نیازهای آن کاری بیهوده و یک بعدی است. زایس¹ از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت که تخصص اصلی‌اش برنامه‌ریزی درسی است، برای تبیین این معنا معتقد است که برنامه و کتاب درسی تا زمانی که به صورت یک سند و مدرک تربیتی است، عنصری بی‌روح و بی‌جان است؛ اما همین که برای اجرا به دست معلم سپرده می‌شود، در واقع به آن جان دمیده می‌شود و این کیفیت حیات‌بخشی معلم به برنامه است که هم تا حدود بسیاری تابع خصوصیات و ویژگیهای منحصر به فرد اوست و هم این برنامه زنده یا عملیاتی شده توسط معلم است که نتیجه و عاقبت کار را رقم می‌زند (مهرمحمدی، 1387، ص 26-27) و اینکه معلم کیست و چگونه در این نقش و جایگاه قرار گرفته است، در حوزه سیاستهای آموزش عالی قرار می‌گیرد.

آنچه در مورد آموزش عالی مهم است و در واقع نقش واقعی را نشان می‌دهد این است که آموزش عالی باید مانند موجود زنده همواره از محیط و عناصر داخلی خود آگاه شود و با شناسایی تحولات محیطی و وضعیت خویش، تغییرات لازم را در جهت ادامه حیات به صورت پویا در خود ایجاد کند و نیز به پرسشهایی از این چنین پاسخ دهد:

- آیا عناصر موجود می‌توانند پاسخگوی شرایط و دغدغه‌های فعلی و آینده باشند و نقش سازنده‌ای در راستای حل مسائل و رشد جامعه ایفا نمایند؟

- دانشجویان در نظام آموزش عالی برای چه دنیایی، با چه ویژگیها و مسائلی باید پرورش یابند؟

- چگونه می‌توان برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف را در راستای نیازها و تحولات قرار داد به نحوی که جامع و مناسب باشد و ضمن پاسخگویی و توجه به نیازهای فردی به مشکلات اجتماعی (همچون محیط زیست و سلامتی) و به ارزشها و میراث فرهنگی پردازد؟

- تا چه حد باید از تهیه منابع درسی حمایت شود و آیا تعرفه‌ها و قوانین در مورد

1. Zais

همه رشته‌ها به طور یکسان باید صورت گیرد؟
- فرهنگ استفاده از منابع درسی، به‌ویژه در رشته‌های هنر، چگونه باید غنی‌تر شود
و چگونه باید جای خود را پیدا کنند؟

منابع

- بیکر، تریز. ال (1386)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- بلیکی، نورمن (1384)، طراحی پژوهشهای اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- عارفی، محبوبه (1384)، برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- حری، عباس (1358)، آئین نگارش علمی، تهران: هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- مهرمحمدی، محمود (1387)، «تحلیلی بر سیاست کاهش تمرکز از برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ضرورتها و فرصتها» (متن سخنرانی، در همایش ملی توسعه آموزش و برنامه‌ریزی درسی در دانشگاهها، دانشگاه تربیت مدرس، 20-21 تیر 1387).